حروف ربط

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 14, 2015

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به حروف ربط ، حروف ربط آن دسته از کلماتی هستند که بین دو بخش از جمله نشسته تا ارتباط بخش اول به بخش دوم را ربط بدهند!

aber اما ، ولی ، لیکن

denn برای اینکه ، زیرا ، چون که ، چون ، پس از آن ، سپس

und و

oder یا

چند مثال :

Heute habe ich keine Zeit, aber wir können morgen ins Kino gehen

امروز من وقت ندارم ، اما ما می توانیم فردا در (به *) سینما برویم.

Ich möchte morgen ins Kino gehen, denn da läuft ein guter Film

من تمایل دارم فردا در (به *) سینما بروم ، برای اینکه آنجا یک فیلم خوب در جریان است.

Ich möchte mit dir essen gehen und einen Film sehen

من تمایل دارم با تو به غذا خوردن بریم و یک فیلمی را ببینیم.

Möchtest du lieber ins Kino gehen oder ins Theater gehen?

تو تمایل داری در (به *) سینما بروی یا در (به *) تئاتر ؟

Ich habe kein Fahrrad, aber wir haben zwei Autos

من هیچ دوچرخه ای ندارم ، اما ما دو تا ماشین داریم.

Wir haben zwei Autos, denn wir mögen Autos

ما دو تا ماشین داریم، برای اینکه ما علاقمند به ماشین ها هستیم.

Ich habe einen Porsche und mein Mann hat einen Ferrari

من یک پورشه دارم و شوهرم یک فراری دارد.

نکته : این حروف ربط aber, denn, und , oder وقتی در بین بخش اول و دوم جملات می نشینند هیچ تغییری در جایگاه عناصر جمله به وجود نمی آورند.

دیگر حروف ربط :

Deshalb بدین سبب ، از آن رو ، به این علت ، از این جهت

Sonst جز این ، والا ، وگر نه ، در غیر این صورت ، به جز این ، علاوه بر این

Dann آن وقت ، آن گاه ، آن هنگام ، سپس ، پس از آن ، در صورت امکان ، گذشته از آن

Danach در مورد آن ، در باره ی آن ، سپس ، پس از آن ، بعد از آن

چند مثال :

Ich arbeite heute nicht. Deshalb habe ich viel Zeit für dich

من امروز کار نمیکنم . از آن رو خیلی وقت برای تو دارم.

Komm zu mir. Sonst bin ich so allein

بیا پیش من ، وگرنه من خیلی تنها هستم.

Ich koche für uns, Dann gehen wir ins Kino

برای خودمان آشپزی میکنم ، سپس به سینما میرویم.

Ich koche für uns, Danach gehen wir ins Kino

برای خودمان آشپزی میکنم ، پس از آن به سینما میرویم.

Ich brauche Geld. Deshalb arbeite ich

من پول نیاز دارم ، بدین سبب کار میکنم.

Ich brauche Geld, sonst kann ich nichts einkaufen

من پول نیاز دارم وگر نه من نمی توانم هیچ چیزی بخرم.

Zuerst gehe ich einkaufen, dann koche ich

در ابتدا به خرید میروم سپس آشپزی مکنم.

نکته : این حروف ربط deshalb, sonst, dann, danach هرگاه بین بخش اول و دوم جملات قرار میگیرند می بایستی پس از آنها فعل اصلی جمله بیاید و چنانچه جمله ما دارای فعل کمکی نیز بود. می بایستی پس از آن فعل کمکی بیاید و فعل اصلی به انتهایی جمله برود. که در مثال های بالا به خوبی مشخص شده اند.

دیگر حروف ربط :

dass که

wenn اگر ، چنانچه ، وقتی که ، در صورتی که ، هر زمان

weil زیرا ، چرا که ، چون ، به دلیل اینکه

چند مثال :

Was? ich glaube, dass mein Freund heute kommt

چی ؟ من باور دارم که امروز دوست من می آید.

معمولا در جواب was می بایستی dass بیاید.

Wann? Mein Freund ruft an, wenn er am Bahnhof ankommt

چه زمانی ؟ دوستم تماس میگیرد ، اگر او در ایستگاه قطار برسد.

معمولا در جواب Wann می بایستی wenn بیاید.

Warum? Ich gehe zum Bahnhof, weil ich meinen Freund abholen will

چرا ؟ من میروم به ایستگاه قطار ، چونکه می خواهم دوستم را بیاورم.

معمولا در جواب Warum می بایستی weil بیاید.

نکته : این حروف ربط dass, wenn, weil هرگاه بین بخش اول و دوم جملات می آیند فعل جمله را به انتهای بخش دوم میبرند و چنانچه فعل کمکی نیز در جمله داشته باشیم آنگاه در انتهایی جمله اول فعل اصلی و سپس فعل کمکی می آید. مانند مثال های بالا

چنانچه در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا توضیحاتی دارید می توانید به زیر این درس اضافه کنید.

موفق باشید.